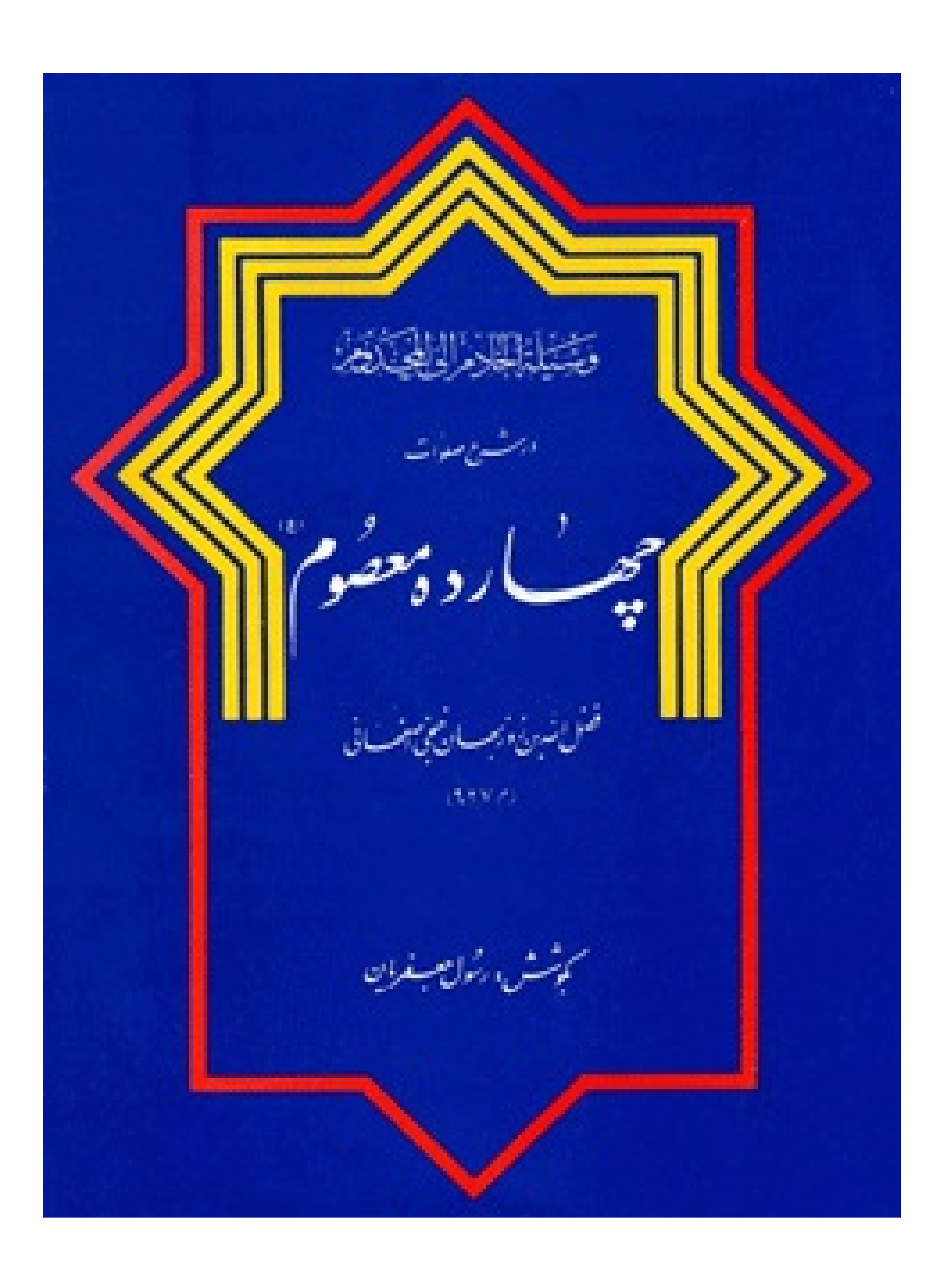

وسیلة الخادم الی المخدوم
در شرح صلوات
چهارده معصوم (ع)
فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی
(۹۲۷ ق)
به کوشش رسول جعفریان



# وسیله الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم (امام محمد باقر علیه السلام)

نویسنده:

فضل‌الله‌بن روزبهان خنجی‌اصفهانی

ناشر چاپی:

انصاریان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# وسیله الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم

## مشخصات کتاب

سرشناسه : فضل‌الله‌بن روزبهان، ۸۶۰؟ - ۹۲۵؟ق

عنوان قراردادی : [وسیله الخادم الی المخدوم (اردو)]

عنوان و نام پدیدآور : وسیله الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم/ مولف فضل‌الله‌بن روزبهان خنجی اصفهانی؛ مترجم نثاراحمد زین‌پوری؛ به کوشش رسول جعفریان

مشخصات نشر : قم: موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق. = ۱۳۷۵.

مشخصات ظاهری : ۳۲۷ ص.

شابک : چاپ دوم: ۲-۱۵۱-۲۱۹-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : اردو

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۹(فیپا).

یادداشت : عنوان دیگر: چهارده معصوم ص.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۰ - ۱۸؛ همچنین به‌صورت زیرنویس

عنوان دیگر : چهارده معصوم ص.

عنوان دیگر : در شرح صلوات چهارده معصوم

عنوان دیگر : وسیله الخادم الی المخدوم. اردو

موضوع : صلوات

موضوع : چهارده معصوم

شناسه افزوده : زین‌پور، نثاراحمد، مترجم

شناسه افزوده : جعفریان، رسول، ۱۳۴۳ - ، مصحح

رده بندی کنگره : BP۲۶۶/ف۵۶و۵۰۴۶ ۱۳۷۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷

شماره کتابشناسی ملی : م۷۶-۵۶۱۲

## در صلوات بر امام محمد باقر

اللهم صل و سلم علی الامام الخامس بار خدایا درود و صلوات ده و سلام فرست بر امام پنجم. از این جا شروع در صلوات است بر حضرت امام محمدباقر علیه‌السلام. و آن حضرت بعد از پدر خود، امام زین‌العابدین علیه‌السلام امام است به قول امامیه و اکثر شیعه. و زیدیه بر آنند که امام بعد از امام زین‌العابدین علیه‌السلام، برادر امام محمدباقر علیه‌السلام، زید بن علی است؛ و زید هم از اکابر سادات فاطمی است. و امامت امام محمدباقر علیه‌السلام به نص امام زین‌العابدین ثابت شده، و به آیات، که دلالت بر امامت او می‌کند. و آن حضرت را القاب است: الطیب الطاهرهٔ النور الباهرهٔ آن حضرت پاک و پاکیزه است از آلایش هر چیز که در عصمت و طهارت قدح کند. و این اشارت است به عصمت آن حضرت که از لوازم امامت است؛ و آن حضرت نور روشن است و این

اشارت است به انکشاف باطن و اطلاع آن حضرت بر امور مغیبه، به تعلیم الهی که از اوصاف ائمه است. یکی از محبان اهل‌بیت روایت کرده که، نوبتی از دروازه‌ی بقیع بیرون رفتم [ صفحه ۱۸۶] و متوجه اعالی [۱] مدینه بودم که خرما به سلم بخرم. در بیرون دروازه، امام محمدباقر علیه‌السلام را دیدم که از اعالی مدینه باز می‌گشت و به شهر می‌رفت. گفتم: السلام علیك یابن رسول الله؛ جواب سلام داد و فرمود: به کجا می‌روی؟ گفتم: بیرون می‌روم که در اعالی مدینه خرما به سلم بخرم؛ فرمود: آیا ایمن شده‌اید امسال از ملخ. این سخن فرمود و به شهر در رفت و من آمد و خرما به سلم خریدم. چون وقت قطع خرما شد ملخ آمد و هر چه سبز بود تمامی بخورد و این از آیات علوم غیبیه بود که از نور باطن آن حضرت ظاهر شد. دیگری از محبان اهل‌البیت روایت کرده که نوبتی در سال، صد و بیست دینار طلا صرف کردم در زمین و خیار «و دستنبوی [۲] مزروع داشتم. چون وقت محصول شد ملخ آمد و تمامی آن خیار» [۳] دستنبوی را بخورد. صباح آن شب که ملخ آمد تمامی آن زراعت را خورده بود؛ بر کنار زراعت ایستاده بودم حضرت امام محمدباقر علیه‌السلام در گذر آمد، پیش رفتم و سلام کردم. فرمود چند در وجه این زراعت صرف کرده‌ای؟ گفتم: صد و بیست دینار طلا؛ فرمود: من از پدران خود روایت می‌کنم که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تمسکوا ببقایا المصائب؛ یعنی دست زنید بدان چیز که از مصیبتها باز ماند و این مصیبت که بدین زمین رسیده آن را آب بده تا حق تعالی در آن برکت کرامت فرماید. پس من زراعت را آب دادم و محصول وافی از آن جا برداشتم که اضعاف آن بود که در وجه آن صرف کرده بودم. [۴] . شخصی دیگر روایت کرده که نوبتی به قبا می‌رفتم از مدینه در میان روز گرم، حضرت امام محمدباقر علیه‌السلام را دیدم که از زراعت باغستان خود باز می‌گشت و بدن [ صفحه ۱۸۷] مبارك آن حضرت سنگین بود عرق کرده بود و بر دو غلام تکیه فرموده بود. در خاطرم گذشت که مردی بزرگ از اکابر بنی‌هاشم جهت حرص بر دنیا، در روزی چنین گرم تعب نفس خود می‌فرماید و چنین زحمت می‌کشد؛ چون این معنی در خاطر من خطور کرد و مرا پیش طلبید و فرمود: ان بعض الظن اثم؛ [۵] ما جهت انفاق بر ضعفا و مساکین این زحمت می‌کشیم [۶] نه جهت حرص بر دنیا. گفتم ای پسر رسول خدا! توبه می‌کنم. پس توبه مرا قبول فرمود [۷] و امثال این بسیار است. السیف الشاهر، البدر الزاهر، العزیز القادر، الغالب القاهر آن حضرت شمشیری است کشیده بر دشمنان. و این اشارت است به کمال علم و حجت آن حضرت، زیرا که بر ملحدان و منافقان شمشیر حجت از نیام امامت برایشان کشیده بود؛ یا اشارت است به صلابت آن حضرت در دین؛ و آن که او بر اعدای خدای تعالی شمشیر کشیده بود. و لهذا حجاج یوسف و عبدالملك مروان هر چند قصد آن حضرت کردند مغلوب شدند. و آن حضرت ماه شب چهارده است روشن. و این اشارت است به کمال جمال آن حضرت «چنان چه روایت کرده‌اند که روی مبارك آن حضرت» [۸] همچو ماه می‌درخشید و در کمال حسن و جمال بود؛ یا آن که آن حضرت در علم و بزرگی شرف مشهور و انگشت‌نما بود و همچون ماه بدر در روشنی. و آن حضرت عزیز و توانا و غالب و فایق است بر اعدا. و این اشارت است به غلبه و قدرتی که آن حضرت را بر حجاج یوسف و آل مروان ظاهر شد. چنان چه روایت کرده‌اند که حجاج بن یوسف در قصد اولاد و اتباع و شیعه‌ی حضرت امیرالمؤمنین حیدر علیه‌السلام نهایت سعی [۹] و اهتمام می‌نمود؛ هر کس را می‌دانست که از اتباع امیرالمؤمنین علیه‌السلام است قصد می‌کرد و ایشان را هلاك می‌گردانید [ صفحه ۱۸۸] تا به غایتی که روزی گفت: می‌خواهم که امروز تقرب جویم به خدای تعالی به کشتن یکی از مردم ابوتراب. گفتند: از مردم او کسی نمانده، غلام پیر او قنبر نام مانده و عمر او از صد سال گذشته است و مفلوج و زمین افتاده است. گفت: او را حاضر گردانید؛ چون او را حاضر گردانیدند گفت: اختیار کن که به چه طریق تو را بکشم. قنبر رضی الله عنه فرمود که، حبیب من و مولای من علی مرتضی علیه‌السلام مرا خبر داده که کشتن من به طریق گوسفند باشد که او را ذبح می‌کنند؛ پس حکم کرد که او را به طریق گوسفند سر ببریدند و کرامت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ظاهر شد که با وجود آن که قنبر فرمود که، حضرت مولای من علی مرتضی علیه‌السلام مرا چنین خبر داده و حجاج «علیه اللعنة و العذاب» [۱۰] می‌خواست که این سخن دروغ شود، حضرت تعالی دل کعب [۱۱] او را از آن صرف کرد که به نوعی دیگر او را بکشد تا فرموده‌ی آن حضرت

درست شود. غرض که حجاج «لعین مردود» [۱۲] را اهتمام به قتل و دفع اولاد امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب - علیه و علیهم الصلوات و السلام - بدین مرتبه بود. و در روایت صحاح آمده که حضرت امام محمدباقر علیه‌السلام به مجلس حجاج - علیه اللعنه - رفت و حجاج در همه علوم آن حضرت سؤال کرد تا آخر پرسید که، بدترین قبایل عرب کدام قبیله‌اند؟ آن حضرت فرمود: قبیله تو که ثقیف است و حجاج را سرزنشها کرد و ظلم و جور او را با او باز گفت و بر حجاج غالب آمد و به سلامت و غنیمت از پیش حجاج باز گشت. و در این فقره بدان غلبه و قدرت اشاره نموده بود. حارز المزایا و المآثر، صاحب المناقب و المفاخر آن حضرت جمع گرداننده‌ی مزیت‌ها و بزرگی‌ها است که اثر آن در دنیا باقی است و صاحب منقبت‌ها و فخرهاست که در عالم مشهور و مذکور است. و این اشارت است به مناقب حسبی و نسبی آن حضرت که ذات شریفش را حاصل بوده. [ صفحه ۱۸۹] جامع ألواح العلوم بلا تکسب الدفاتر آن حضرت جمع کننده لوحهای علوم است بی‌آن که [۱۳] متحمل زحمت کسب علم شود از دفترها. یعنی الواح علوم [را] حق تعالی بدان حضرت عنایت فرموده بود بی‌آن که [۱۴] آن حضرت را حاجت بدان باشد که از دفترها کسب علم کند، همچو سایر علما، و این اشارت است به کمال علم آن حضرت. جابر بن عبدالله [۱۵] رضی الله عنه روایت کند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با من فرمود: تو یکی از فرزندان مرا در خواهی یافت که نام او موافق نام من باشد، و او شکافد علم را شکافتنی؛ و او را بدین جهت باقر لقب شده و معنی باقر شکافنده است. دیگر آن حضرت با جابر فرمود: چون او را ببینی سلام من بدو برسان و در صحیح مسلم به اسناد خود روایت کرده که از حضرت امام محمد بن علی باقر علیه‌السلام که او فرمود: من با جماعتی پیش جابر بن عبدالله انصاری رفتم و او بسیار پیر شده بود و چشم او پوشیده؛ از هر یک می‌پرسید که تو چه کسی؛ تا نوبت به من رسید. پرسید: تو چه کسی؟ گفتم: من محمد بن علی بن الحسین‌ام. بسیار خوش وقت شد و گفت خوش آمدی ای برادرزاده من، و مرا پیش طلبید و چون گره بر سینه من بود باز گشود و دست مبارک بر سینه‌ی من مالید. گفتم: مرا خبر ده از حج پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم. پس حدیث حج را تمام از برای من باز گفت آن حدیث بسیار طویل است و تمامی در صحیح مسلم از روایت امام محمدباقر علیه‌السلام که از جابر بن عبدالله انصاری روایت فرمود ثابت است. [۱۶] و علمای حدیث و ائمه فقیه، بسیار فواید علوم از آن حدیث مبارک استنباط فرموده‌اند و روایات و حکم و فواید و کلمات رائقه آن حضرت بسیار است. محیی معارف النبی الفاخر [ صفحه ۱۹۰] آن حضرت زنده گرداننده‌ی [۱۷] معرفت‌ها و علوم پیغمبر صاحب فخر و شرف است. و این اشارت است بدان که دقایق علوم و حقایق معارف حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در دوران امامت آن حضرت تازه شد مردم از آن فواید یافتند. چنانچه گفته‌اند از ائمه تابعین هیچ کس آن مقدار روایت و درایت نیست که آن حضرت را. وارث الامامهٔ کابرا عن کابر و آن حضرت صاحب میراث «امامت است از بزرگ به بزرگ، یعنی از پدران بزرگ آن حضرت میراث» [۱۸] امامت یافته. و این اشارت است بدان که آن حضرت امام بود و پدران آن حضرت همه امام بوده‌اند و امامت، آن حضرت را به کمال استحقاق حاصل است زیرا که چیزی که آن را به «استحقاق و به» [۱۹] میراث یابند صاحب آن بسیار مستحق و سزاوار آن باشد. و حقیقت امامت، وراثت منصب «وصایت» [۲۰] پیغمبر است، «صلوات الله و سلامه علیه» [۲۱] «در حفظ دین و نشر قواعد علوم و معارف؛ و این وصف، حضرت امام محمدباقر علیه‌السلام را» [۲۲] به کمال بوده، زیرا که در میان اهل‌بیت و ائمه؛ آن حضرت به مزید کشف علم و شکافتن حقایق معارف مشهور است و مذکور. ابی‌جعفر محمد الباقر العبد الصالح ابن زین‌العابدین علی علیه‌السلام کنیت آن حضرت ابوجعفر است و آن حضرت را اولاد بوده؛ و جعفر صادق علیه‌السلام که بعد از آن حضرت، امام شده فرزند او است و از جعفر فرزندی بزرگتر داشته، اسم او ابراهیم که بعد از آن حضرت دعوی امامت می‌کرده، چنان چه مذکور خواهد شد مباحثه‌ی او با امام جعفر. و لقب آن حضرت باقر است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم او را لقب فرموده، چنانچه مذکور شد؛ و عبدصالح هم از القاب او است. وارث النبی الشفیع و الوصی المنیع، المقبور مع ابیه بالبقیع [ صفحه ۱۹۱] آن حضرت وارث پیغمبر شفاعت کننده و وصی صاحب عزت و مناعت [۲۳] است. و این اشارتست به وارثت آن حضرت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و

آله و سلم و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که وصی حضرت پیغمبر است و چون آن حضرت شکافنده‌ی علوم و حقایق معارف بود، هم وارث پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است و به مزید وراثت اختصاص دارد، و هم وارث حضرت وصی است که حضرت امیرالمؤمنین علی است زیرا که شکافتن علم مقتضی مزید اختصاص است به وراثت منصب وصایت. و آن حضرت مدفون است با پدر خود در بقیع؛ و این اشارت است به وفات و محل قبر آن حضرت بدان چه آن حضرت روز جمعه غره‌ی رجب و بعضی گویند سوم ماه صفر سنه سبع و خمسین از هجرت در مدینه متولد شد و در ذی‌الحجه؛ و بعضی گویند در ربیع‌الاول، سنه‌ی [۲۴] اربع عشر و مائهٔ وفات فرمود در مدینه؛ و سن مبارک او پنجاه و هفت سال تمام شده بود. والده وی ام‌عبدالله فاطمه بنت الحسن است و قبر آن حضرت در اندرون همان قبر است که عم پدر آن حضرت مدفون است. و آن صندوق مطهر که رشک صندوق آسمان و مخزن جواهر حکمت و ایمان است بر بالای ایشان نهاده‌اند «و ابواب رحمت از آن قبه‌ی مقدسه بر عالم گشاده‌اند.» [۲۵].

اللهم صل علی سیدنا محمد و آل سیدنا محمد سیما الامام الطهر الطاهر محمد الباقر و سلم تسلیما

## پاورقی

[۱] مقصود منطقه‌ی عوالی مدینه است.

[۲] در متن عربی «بطیخ» و «قثاء» آمده، شاید خربزه باشد. در دهخدا، گفته شده: هر میوه‌ی خوشبوی را که به دست گرفته ببویند دستنبو توان گفت خصوصا خیارک باشد که به غایت خوشبوی بود. ثمری باشد کوچکتر از خربزه که آن را به هندی کچری نامند.

[۳] در «غ» نیامده.

[۴] روایت مزبور در کشف الغمه ج ۲ صص ۲۱۸ - ۲۱۷ درباره‌ی امام کاظم علیه‌السلام نقل شده است.

[۵] حجرات (۴۹) ۱۲.

[۶] در اصل: می‌شکنم.

[۷] روایت دیگر این ماجرا را ملاحظه فرمایید در: کشف الغمه ج ۲ ص ۱۲۵.

[۸] از «م» افتاده.

[۹] در اصل: سعد. ]

[۱۰] از «م».

[۱۱] شاید: صعب. به جای آن در «غ» چیزی نیامده.

[۱۲] از «م».

[۱۳] در اصل: بانکه.

[۱۴] در اصل: بانکه.

[۱۵] روایت جابر از طرق مختلف و به عبارات متعدد نقل شده است: نک: کشف الغمه ج ۲ صص ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳.

[۱۶] صحیح مسلم (شرح النووی) ج ۸ صص ۱۷۰ - ۱۹۶، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷.

[۱۷] در «غ»: گردانیده‌ی.

[۱۸] از «غ» افتاده.

[۱۹] از «م».

[۲۰] از «غ».

[۲۱] از «غ».

[۲۲] از «غ» افتاده.

[۲۳] در اصل:مقاعت. مناعت در جمله عربی آمده است.

[۲۴] در «م»: سبع.

[۲۵] از «غ» افتاده.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».